

جغرافیا و توسعه شماره ۲۵ زمستان ۱۳۹۰

وصول مقاله : ۱۳۸۹/۷/۱۶

تأیید نهایی : ۱۳۹۰/۳/۲۹

صفحات : ۱۷-۳۸

سنجش تطبیقی وقف طی دوره‌های قاجاریه و پهلوی

دکتر پروانه شاه‌حسینی^۱

چکیده

موضوع وقف و شکل‌گیری فضاهای وقفی سابقه‌ی دیرینه‌ای در شهر تهران دارد و با وقف قنات مهرگرد به وسیله‌ی بانویی زرتشتی آغاز و پس از اسلام با اشکال متنوعی شامل اماکن مذهبی، مسکونی، تجاری، فرهنگی-آموزشی، بهداشتی-درمانی، تجهیزات زیربنایی، مستغلات و اموال منقول در قالب وقف‌های سنتی تا بنیادهای عظیم خیریه وقفی تداوم یافته است. چگونگی و نوع تجلی فضایی موقوفات در سطح شهر تهران در هر دوره‌ای را شرایط اجتماعی-اقتصادی و کالبدی حاکم بر جامعه تعیین می‌کند. از این‌روست که وقف و موقوفات در هر دوره‌ای در عین داشتن تشابهات، ویژگی‌های منحصر به فردی نیز دارند. در مقاله‌ی حاضر بر شناخت این تشابهات و ویژگی‌ها و تغییر و تحول و علل آنها طی دو دوره قاجاریه و پهلوی بر اساس آمارها و اطلاعات در دسترس، سعی شده است. از این‌رو اهداف وقف، نوع موقوفات و چگونگی توزیع فضایی آنها در سطح شهر تهران در این دو دوره بررسی و با هم سنجش شده‌اند. نتیجه‌ی حاصل آنکه در دو دوره‌ی قاجاریه و پهلوی هدف عمده‌ی عمل به وقف، توسعه و نشر دین اسلام با گرایش غالب به مذهب شیعه بوده است. هرچند در کالبد شکافی آن، اهداف دیگری نیز وجود دارد. همچنین موقوفات عمدتاً از نوع درآمدزا به‌ویژه مغازه بوده است. وقف هم در اهداف و هم در نوع موقوفات روند تکاملی داشته و علاوه بر شکل سنتی به شکل بنیادهای خیریه وقوع یافته است.

کلیدواژه‌ها: وقف، موقوفات، بنیاد خیریه، دوره قاجاریه، دوره‌ی پهلوی.

مقدمه

وقف در تمامی ادیان به اشکال مختلفی وجود دارد در ایران باستان زرتشتیان بر اساس تعالیم کتاب اوستا، به‌ساخت آتشکده‌ها، آرایه‌ی خدمات به زائران، احداث مراکز آموزشی مذهبی در جوار معابد مبادرت و برای تأمین مخارج و هزینه‌های آتشکده‌ها، مؤبدان و زائران، اولاد و بیوه‌زنان، خیریه اموات، کشاورزان بی‌بضاعت و نگهداری حیوانات زمین‌های خود را وقف می‌کردند (نکایی، ۱۳۸۱: ۹؛ حاجی‌بابایی، ۱۳۸۵: ۶۸۵).

اسلام نیز طبق آیات، احادیث و روایات مردم را به کمک برای نشر دین و تأمین نیازهای معیشتی طبقه‌ی کم‌درآمد ترغیب می‌کند و آن را وسیله‌ای برای کسب رضای خداوند در رسیدن به کمال و جانشینی وی روی زمین می‌داند. به طوری که پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: چند چیز است که پس از مرگ مؤمن پاداش آنها به او می‌رسد: علمی که از خود به یادگار بگذارد، فرزند صالحی که برای او جانشین خوبی باشد، قرآنی که به ارث گذاشته باشد، مسجدی که ساخته است، منزلی که برای مسافران در راه ساخته است، نهی که آن را جاری ساخته است، صدقه‌ای که در حال حیات خود انجام داده باشد (پاینده، ۱۳۷۶: ۱۸۳)؛ در اینجا صدقه‌ی جاری به وقف تفسیر شده است. هرچند در طول تاریخ بعد از اسلام وقف‌های بسیاری در ایران صورت گرفته، وقوع جنگ‌ها و تغییر حکومت‌ها در موقوفات اختلال بسیاری حاصل کرده است. در نتیجه آنچه در حال حاضر از وقف و موقوفات وجود دارد، عمدتاً متعلق به دوره‌ی قاجاریه و بعد از آن می‌باشد. هر چند به صورت محدودی وقف‌های دوره‌ی صفویه و دیگر دوره‌ها در حدی که اطلاعات وقفی آنها در دسترس است نیز مشاهده می‌شود. در تهران به جز قنات مهرگرد که گفته می‌شود بانویی زرتشتی احداث کرده (عاملی و خورسندی آقایی، ۱۳۸۴: ۲)، بقیه‌ی موقوفات به دوره‌ی صفویه (بعد از حصارکشی شاه طهماسب)، دوره‌های قاجاریه، پهلوی و جمهوری اسلامی تعلق دارد که عمدتاً به وسیله‌ی مسلمانان و به شکل محدودی غیرمسلمانان به‌ویژه زرتشتیان ایجاد شده‌اند. این موقوفات طیّ زمان تغییر و تحولاتی یافته، حتی بعضی از آنها از وقف خارج شده‌اند. به‌طور کلی، همواره موقوفات تهران از نظر نوع و چگونگی توزیع فضایی تحت تأثیر عوامل اجتماعی-اقتصادی و محدوده‌ی فیزیکی شهر بوده‌اند. از این‌رو کمترین تعداد و تنوع موقوفات و نیز چگونگی مکان‌گزینی آنها در تهران به دوره‌ی صفویه تعلق دارد؛ یعنی اراضی چهارده معصوم (ع) داخل تهران شامل کلیه‌ی زمین‌های نواحی میدان مولوی، حضرت‌شاه‌عبدالعظیم، میدان شوش، میدان اعدام، بازار، پانزده خرداد، باب همایون و ناصر خسرو (معمدی، ۱۳۸۱، به نقل از اداره اوقاف شعبه ۱۵ خرداد، ۱۳۶۳/۵/۱۴)، مسجدشاه (امام خمینی) و ۲ باب حمام و ۳۸ باب مغازه و یک هزار متر مربع مستراح وقف بر این مسجد (بازار)، حمام و تکیه و مدرسه‌ی علمیه خانم (چال میدان)، مدارس علمیه امام‌زاده زید (بازار)، چال (بازار)، چال حصار (عودلاجان)، حکیم هاشم (بازار)، رضائیه (عودلاجان)، محمدیه (عودلاجان) و زمین‌ها و دکاکین وقف بر مدرسه‌ی علمیه حکیم هاشم (از وسط سبزه میدان تا ضلع غربی بازار جنب مسجدشاه). البته به کاروانسرای احمد کور در بازار نیز اشاره شده است. نوع این موقوفات

نشان‌دهنده‌ی تمایلات مذهبی و کمک به توسعه‌ی شهر با ایجاد عناصر شهری چون مسجد و مدرسه و وقف اراضی در هسته‌های مهم شهر و نیز غلبه‌ی اقتصاد عمده‌فروشی و خرده-فروشی است. با توسعه‌ی فیزیکی شهر تهران و پایتختی آن که افزایش نقش اقتصادی تهران را به همراه داشت، به مرور بر تعداد و نوع موقوفات افزوده شد و چگونگی قرارگیری آنها در سطح شهر تغییر کرد. بنابراین فرضیه‌ی تحقیق عبارت است از این که به نظر می‌رسد وجود تنوع در اهداف وقف و نوع و چگونگی توزیع فضایی موقوفات شهر تهران متأثر از شرایط اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی جامعه بود و موقوفات بیشتر در هسته‌ی اولیه شهر متمرکز می‌باشند.

بر اساس این فرضیه سؤالات تحقیق عبارت است از:

۱. آیا تفاوت‌ها و مشابهاتی در هدف‌های وقف در دوره‌های قاجار و پهلوی وجود دارد؟
۲. چه نوع مکانی پیش از بقیه‌ی مکان‌ها در هر دو دوره وقف شده است؟
۳. چرا بیشتر موقوفات شهر تهران در هسته‌ی اولیه متمرکزند؟
۴. آیا وضعیت وقف و موقوفات در دو دوره‌ی پهلوی اول و دوم تفاوتی با هم داشته‌است؟ چرا؟

این موقوفات و هدف از ایجاد آنها ویژگی‌هایی دارند که در مقاله‌ی حاضر سعی بر شناخت آنهاست. از آنجا که اطلاعات وقف و موقوفات دوره‌ی جمهوری اسلامی در دسترس نیست و وقف‌های دوره‌ی صفویه محدود است، تأکید پژوهش حاضر بر وقف و موقوفات دوره‌های قاجاریه و پهلوی است و این دو دوره با هم مقایسه شده‌اند.

پیشینه‌ی پژوهش

درباره‌ی وقف بررسی‌های متعددی در زمینه‌های فقهی، حقوقی، قضایی و اعتقادی و همچنین پژوهش‌های اندکی در خصوص ویژگی‌های آن در شهرها و روستا شده است؛ از جمله: ۱. با توجه به تاریخ وقفنامه‌ها، قدمت شهر تفت و روستاهای اطراف آن مشخص شده (مؤمنی و بهرام‌بیگی، ۱۳۶۱)، چشم‌اندازهای وقف به‌صورت روستا، قنات و غیره در آن شهر (مؤمنی، ۱۳۶۵) و دولت‌آباد بررسی شده است (مؤمنی، ۱۳۶۵). ۲. روند تأثیرات اسلام بر روح ایلخانان از جمله ربع رشیدی که در آثار وقفی شهر و روستا به‌خصوص شهر تبریز بررسی شده است (همو، ۱۳۷۲). ۳. براساس وقفنامه گنجعلی‌خان کارکرد و اوضاع سیاسی-اقتصادی و اجتماعی بازار کرمان (پوراحمد، ۱۳۷۱-۱۳۷۰) و همچنین بازار یزد (سرائی، پوراحمد، ۱۳۷۱-۱۳۷۰) بررسی شده که در هر دو به تعداد مغازه‌های وقفی، عمران و بازسازی آنها،

حفظ آثار تاریخی، میراث فرهنگی، حفظ کارکردهای سنتی بازار، بهبود روابط انسانی با پرداخت به موقع اجاره بها توجه شده است. ۴. وقف در شهر تهران (شاه حسینی، ۱۳۷۵ و ۱۳۷۷) و موقوفات شهر اصفهان (بمانیان و همکاران، ۱۳۸۷) توصیف شده‌اند.

روش پژوهش

در این پژوهش از اطلاعات موقوفاتی این منابع استفاده شده است: معتمدی، ۱۳۸۱؛ حاجی بابایی، ۱۳۸۵؛ رضایی، ۱۳۸۶؛ حسینی بلاغی، ۱۳۸۷ و احمدی، ۱۳۸۷؛ این اطلاعات به صورت جدولی درآمده و با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی با استناد به منابع تاریخی موضوع بررسی و تحلیل شده است.

وضعیت وقف

بخش اعظم وقف‌ها و موقوفات شهر تهران به دوره‌ی قاجاریه به‌ویژه پس از سلطنت آقامحمدخان قاجار تعلق دارد. تنها موقوفه‌ی زمان سلطنت این پادشاه موقوفه‌ی حاج رجبعلی اصفهانی است و شامل کاروان‌سرا، آب‌انبار، سقاخانه، تکیه و ۳ باب خانه است. واقف، موقوفه‌ی خود را در سال ۱۲۰۳ ق برای اجرای تعزیه‌داری و اداره‌ی سقاخانه وقف کرده است (حسینی بلاغی، ۱۳۸۷: ۳۷).

در مجموع بر اساس یافته‌های به‌دست آمده، ۴۱۵ فقره در دوره‌ی قاجاریه و ۲۹۲ فقره در دوره‌ی پهلوی وقف در شهر تهران صورت گرفته است. همچنین در این دوره بنیاد و مؤسسات و مراکز خیریه‌ی وقفی و غیروقفی به‌وجود آمدند که بعضی از آنها مانند بنیاد پهلوی و مراکزی که زیر نظر فرح و اشرف پهلوی قرار داشتند به فعالیت‌های نیکوکارانه نیز می‌پرداختند (زغندی، ۱۳۸۲: ۳۵۰). هر چند اطلاعی از ارزش ریالی موقوفه‌های این دو دوره در دسترس نیست و از این رو تنها به تعداد آنها بسنده کرده‌ایم، در این که چرا تعداد وقف در دوره‌ی پهلوی نسبت به دوره‌ی قبل آن کاهش داشته، باید به این موارد توجه کرد. ابتدا، مدت حکومت قاجارها ۱۴۳ سال بیش از ۵۰ سال حکومت پهلوی است و دوم، مواردی چون متعهد شدن دولت به تأمین خدمات عمومی و اشتغال، نبود قانون احترام به حقوق فردی در قانون اساسی (شجیعی، ۱۳۷۲: ۵۸-۵۷)، حیف و میل اموال وقفی به‌علت سوء مدیریت و تعرض حکومت پهلوی و تظاهرات کم مذهبی پهلوی سبب شد تا مردم تمایل کمتری به وقف نشان دهند؛ هرچند از نظر اقتصادی وضعیت مالی مردم بهتر از دوره‌ی قاجاریه بوده است (زغندی، ۱۳۸۲: ۳۴۲-۳۳۹). با آنکه عمل به وقف در این دوره کم بوده، اقدامات نیکوکارانه‌ی دیگری، چه در قالب بنیادها و مراکز خیریه و چه به شکل وقفی و غیر آن، در

جامعه انجام می‌شده است. البته آمارهای تعداد وقف در شهر تهران کامل نیست و آمار واقعی باید بیش از این تعداد باشد. با وجود این، بیشترین وقف‌ها در دوره‌ی قاجاریه مشاهده می‌شود.

هدف وقف

اساس وقف بر پایه‌ی کسب رضای خداوند و جانشینی وی است و بر همین مبنا، واقفان مسلمان به وقف عمل می‌کنند. این امر از جهت‌گیری اهداف وقف در هر دوره‌ای به خوبی مشاهده می‌شود (جداول ۱ و ۲)؛ به طوری که بیشتر وقف‌ها برای حفظ و نشر دین صورت می‌گرفت، اما همواره اعتقادات عمیق مذهبی، علت اصلی عمل به وقف نبود.

در دوره‌ی قاجاریه، ابتدا، تظاهرات مذهبی وسیله‌ای برای کسب شهرت و دستیابی به منزلت و جایگاه اجتماعی بود (دولت‌آبادی، ۱۳۶۲: ۵۲)؛ از این‌رو افرادی مانند ظل‌السلطان پسر ناصرالدین‌شاه که به بدی و فساد معروف و اعمالی چون قتل، رشوه‌خواری، خوردن مسکرات و سایر کارهای خلاف شرع و عرف انجام می‌داد (ظل‌السلطان، ۱۳۶۸)، در بازار تهران برای تعزیه‌داری وقف زیادی کرده است. در مواقعی، واقفان برای جلوگیری از تجزیه‌ی اموال و بی‌مصرف ماندن یا ممانعت از دست‌اندازی حکومت (بامداد، ۱۳۷۱: ۶۸) اموال و دارایی خود را با وقف در خانواده‌ی خود حفظ می‌کردند. با عمل به وقف اموال از تعدیات دولتی که در فوق طبقات قرار داشت و در حالی که قانونی که بتواند تصمیم‌های دولت را محدود و کنترل و قابل پیش‌بینی کند (کاتوزیان، ۱۳۸۰: ۱۴۷ و ۱۴۸) وجود نداشت، جلوگیری به عمل می‌آمد. ثالثاً در مواردی عمل به وقف برای توسعه‌ی شهر و رفاه شهروندان وقوع می‌یافت. برای مثال ناصرالدین شاه قنات ناصریه (باغشاه) را برای مصرف عموم مردم محله‌ی سنگلج در سال ۱۲۷۳ق و حاج میرزا علی‌رضا قنات خود را برای عموم مردم شرق تهران قدیم (رضایی، ۱۳۸۶: ۴۳۶ و ۴۷۰) وقف کردند. به هر حال توسعه و ترویج دین مهم‌ترین هدف (۴۷/۴ درصد) از وقف‌های دوره‌ی قاجاریه محسوب می‌شود، که بیشتر شامل جنبه‌های صوری دین مانند تعزیه‌گردانی، روضه‌خوانی، قرائت قرآن نه تفسیر و تجزیه و تحلیل آیات و روایات و احادیث و تطابق آن با شرایط روز جامعه که در نهایت بالندگی جامعه را به همراه دارد، بوده است.

اعتقادات مذهبی در وقف‌های آموزشی نیز تأثیرگذار بوده و واقفان به این‌گونه در ارتقاء سرمایه‌ی اجتماعی جامعه‌ی خود می‌کوشیدند. بیشتر وقف‌های آموزشی این دوره در قالب ایجاد و توسعه، تأمین هزینه‌های ساختمانی و مدرس و خادم و مخارج طلاب مدارس علمیه خلاصه می‌شود. زیرا کارکرد این مدارس تعلیم و تربیت افرادی بود که بتوانند مفاهیم مذهبی

را از قرآن، سنت پیامبر (ص) و پیشوایان مذهبی درک و استنباط و استخراج کرده و بر اساس آنها قوانین و احکام برای جامعه وضع و این قوانین را اجرا کنند. همچنین بتوانند در مسایل سیاسی ورود و اظهار نظر کنند (سلطان‌زاده، ۱۳۶۷: ۲۷۸). اما به مرور زمان مدارس علمیه از اهداف اولیه‌ی خود فاصله گرفتند و تأثیر چندان مثبتی بر جامعه خود نداشتند و به اماکنی برای اتلاف وقت و بیتوته کردن افراد طلبه‌نما درآمدند (دولت‌آبادی، ۱۳۶۲: ۴۴۹-۴۴۸). از این‌رو بعضی از واقفان برای جلوگیری از سوءاستفاده‌ی طلبه‌نماها تمهیداتی اندیشیده و در وقفنامه‌های خود ذکر کرده‌اند. مانند مشیرالسلطنه که شرط سکونت طلاب در مدرسه‌ی علمیه اقصی و استفاده از درآمد موقوفات خود را تقوا، طالب علم بودن، تحصیل علوم حقه شرعیه و بالغ و عاقل بودن و شرکت در امتحان و قبولی آن در هر سال دانسته و متذکر شده چنانچه طلبه‌ای به تعلیم در خانه‌های مردم یا روضه‌خوانی و وکالت و شرکت در مجالس فاتحه و روضه و عروسی و خواندن شعر مبادرت ورزد، حق سکونت در مدرسه‌ی اقصی را ندارد (رضایی، ۱۳۸۶: ۵۱-۵۰). با وجود این اقدامات و حجم زیاد موقوفات برای آموزش علوم دینی به نظر می‌رسد این نوع آموزش به علت ضعف‌هایی که بر آن مرتبط شده بود، نتوانست برای جامعه شکوفایی و پویایی به ارمغان آورد. به هر حال وقف مذهبی چه به صورت تأمین هزینه‌های ساختمانی و نگهداری از مراکز مذهبی و اجرای مراسم مذهبی و چه به صورت آموزش علوم دینی مهم‌ترین هدف واقفان دوره‌ی قاجاریه بوده است. از این‌رو نهایت ظرافت و هنرمندی را در احداث و تزیین اماکن مذهبی وقفی خود به کار برده‌اند. مانند مسجدشاه یا سلطانی (امام خمینی)، مناره‌ی مسجدخان مروی، مسجد سیدعزیزا...، مسجد و مدرسه شیخ عبدالحسین، مدارس علمیه سپهسالار قدیم و سپهسالار جدید، مسجد حاج رجبعلی و ۲۶ بقعه‌ی متبرکه در تهران و اماکن مقدسی چون هفت دختران، هفت چنار و حسینیه و آرامگاه آقاسیدآقاجان. برعکس توجه به اهداف مذهبی، واقفان کمتر به رفع نیازهای بهداشتی - درمانی و معیشتی طبقه‌ی کم‌درآمد عنایت کرده‌اند. بر اساس یافته‌های پژوهش، تا حصارکشی ناصری برای رفع نیازهای بهداشتی - درمانی طبقه‌ی کم‌درآمد تهرانی هیچ وقفی صورت نگرفته و از این دوره به بعد به این هدف نیز توجه شد. در مجموع برای رفع نیازهای بهداشتی - درمانی تنها ۰/۹ درصد و برای رفع نیازهای معیشتی طبقه‌ی کم‌درآمد ۱۴/۶ درصد در دوره‌ی قاجاریه وقف صورت گرفته است (جدول ۱). در حالی که طبق فرمایش پیامبر (ص) باید هدف از کردار نیک در جهت رفاه و ارتقاء جامعه در همه‌ی ابعاد باشد (پاینده، ۱۳۷۶: ۱۸۳؛ مجلسی، ۱۳۶۲: ۳۰۲).

به مرور زمان با آشنایی بیشتر جامعه‌ی تهرانی با فرهنگ غرب تا حدودی اهداف وقف نیز تغییر جهت داد. احداث مدارس علوم جدید و قرار دادن موقوفاتی برای اداره‌ی آنها و احداث مریضخانه و وقف شش دانگ عمارت و محوطه و باغ بهارستان برای مصالح عامه مردم با تقدیم دارالشوری بودن و قرار دادن یا وقف یک دانگ قنات مه‌ران و باغچال برای اداره‌ی آن (رضایی، ۱۳۸۶: ۳۵۵) از آن جمله است.

عمل به وقف با انگیزه یا هدف مذهبی در دوره‌ی پهلوی نیز تداوم داشته و ۴۸/۱ درصد وقف‌ها به این منظور صورت گرفته است (جدول ۲). اما ویژگی اهداف وقف مذهبی در این دوره اضافه شدن اهداف جدیدی به اهداف سنتی است. یعنی یکی شکل‌گیری فعالیت‌های تربیتی و علمی اسلامی همچنین نشر مطبوعات دینی برای عموم مردم به‌ویژه نوجوانان و جوانان از طریق بنیادها و مؤسسات خیریه و دیگری احداث اماکن دینی درواایش و غیرمسلمانان و تأمین مخارج درواایش عمدتاً درواایش سلسله‌ی نعمت‌اللہی. همین تحول در اهداف آموزشی رخ داده است. یعنی احداث پرورشگاه و تأمین مخارج آن و وقف برای تقویت بنیان‌های علمی و پژوهشی در سطح دانشگاه. اختصاص املاک و دارایی‌هایی به دانشگاه تهران از آن جمله است (حاجی‌بابایی، ۱۳۸۵: ۹۰۰-۸۲۰). همچنین در این دوره هر چند بر وقف برای آموزش علوم جدید افزوده شد (۶/۹ درصد) از تعداد وقف برای آموزش علوم دینیہ کاسته شده است (۵/۵ درصد) (جدول ۲).

در این دوره در کنار وقف‌های آموزشی، وقف‌هایی برای درمان اقشار کم‌درآمد (۱۳/۴ درصد) و وقف‌هایی به‌منظور تأمین نیازهای معیشتی این طبقه (۱۲/۴ درصد) نیز صورت گرفته است (جدول ۲). همچنین وقف به منظور فعالیت‌های ورزشی (۰/۴ درصد) بخش دیگری از اهداف وقف بوده که قبل از آن وجود نداشت.

با وجود کل وقف‌هایی که به منظور رفع نیازهای طبقه‌ی کم‌درآمد در دو دوره‌ی مورد بررسی اعم از وقف‌های سنتی و بنیادهای خیریه وقفی و اقدامات دولتی دوره‌ی پهلوی و مراکز و مؤسسات خیریه غیروقفی و فعالیت‌های نیکوکارانه، ایجاد شد مشکلات معیشتی گروه کم‌درآمد ساکن شهر تهران مرتفع نشد. زیرا رشد سریع جمعیت شهر تهران که عمدتاً ناشی از مهاجرت وسیع عمدتاً افراد کم‌سواد و بی‌سواد و غیرماهر بود و بنا به دلایلی چون الگوی توسعه‌ی اقتصادی برون‌زا و سرمایه‌داری پیرامونی (حسامیان و دیگران، ۱۳۵۸: ۶۰؛ اشرف، ۱۳۵۶: ۸۰؛ بیران، ۱۳۷۴: ۱۳۵)، تأثیر غیرمستقیم اصلاحات ارضی (زاهدانی و کازرونی‌حسینی، ۱۳۶۶: ۳۰) و اتکا به درآمدهای نفتی (سوداگر، ۱۳۶۹: ۵۶۰) حاصل شده بود، پیش از خدمات ارایه شده به‌صورت وقف و اقدامات دولتی بود و در نتیجه زاغه‌نشینی و حاشیه‌نشینی رشد

یافت (بیران، ۱۳۷۴: ۱۲۸؛ خاتم و دیگران، ۱۳۷۸: ۵۲-۵۱). چنانکه در شهر تهران در سال ۱۳۵۷، ۵۰ محله‌ی زاغه‌نشین وجود داشت (بیات، ۱۳۷۹: ۶۸) و تراکم جمعیت در نقاط غیررسمی افزایش یافت. برای مثال در گودهایی که ۴۰ تا ۵۰ متر مربع مساحت داشتند گاه تا ۱۲ خانوار ساکن بودند (مؤسسه مطالعات و تحقیقات علوم اجتماعی دانشگاه تهران، بی‌تا). از این رو به نظر می‌رسد حتی اگر وقف‌های بیشتری نیز محقق می‌شد، اجرای سیاست‌های نادرست و تمرکز جمعیت زیاد در شهر تهران که بخش عمده‌ی آن را مهاجران کم‌سواد و بی‌سواد تشکیل می‌دادند و امکان عملی لازم (سواد، مهارت و سرمایه) را برای جذب در مشاغل رسمی نداشتند، مانع از اثربخشی وقف می‌شدند. بنابراین هر چند وقف می‌تواند به‌عنوان اهرمی برای تعادل بخشی جامعه و بهبود وضعیت رفاهی طبقه‌ی کم‌درآمد عمل کند، چنانچه سیاست‌های کلی کشوری مناسب و کارا نباشد، وقف نمی‌تواند به نیازهای مردم پاسخ مؤثری بدهد.



نوع موقوفات

نوع موقوفات متأثر از شرایط اقتصادی و اجتماعی در هر دوره‌ای ویژگی‌های خاصی دارد که در اینجا هر یک بررسی می‌شوند. اماکن مذهبی، مراکز آموزشی و اماکن درمانی جزء موقوفات غیر درآمدزا و واحدهای مسکونی، اماکن تجاری و املاک جزء موقوفات درآمدزا هستند. تأسیسات زیربنایی در بعضی از مواقع برای هدف خاصی وقف شده و در بعضی مواقع برای استفاده‌ی عموم، از این رو حالت دو وجهی داشته یعنی هم درآمدزا هستند و هم غیر درآمدزا.

اماکن مذهبی

به جز ۱۴ بقعه‌ی متبرکه که تا دوره‌ی صفویه در تهران قدیم وجود داشت و مسجدشاه و تکیه‌ی خانم که در دوره‌ی صفویه شکل گرفت، اماکن مذهبی متعددی در سطح محله‌های شهر در دوره قاجاریه به وجود آمد که از میان آنها مساجد مهم‌ترین عنصر شهری محسوب می‌شد. به علت مشابهت کارکرد مساجد با مدارس علمیه عمدتاً یعنی ۱۶ باب در درآمد‌های موقوفات با مدارس علمیه شریک بودند (شاه‌حسینی، ۱۳۸۱: ۹۶-۹۲) و ۴ باب مسجد دیگر یعنی مسجد بازارچه نو با ۲ باب آب‌انبار، مسجد بازار بین‌الحرمین با ۵ باب مغازه، مسجد چالانچی‌جان با یک باب آب‌انبار و مسجد همت‌آباد با ۴ باب مغازه (معمدی، ۱۳۸۱: ۴۶۳-۴۵۳) در درآمد‌های وقفی خود با مدارس علمیه سهیم نبوده‌اند.

عنصر شهری دیگر پس از مساجد، از نظر فراوانی و اهمیت، تکایا بودند. از ۷۷ تکیه موجود در تهران قدیم (معمدی، ۱۳۸۱: ۴۴۹-۴۴۵)، ۱۵ تکیه‌ی وقف بوده که بیشترین آنها در محله‌های بازار و عودلاجان قرار داشتند (جدول ۳) و تعدادی از آنها موقوفه نیز داشتند. مانند تکایای زرگرها، غریبان، قمرالسلطنه، کورها و همچنین تکایایی چون میرزا صالح مستوفی و رضاقلی‌خان با مساجد و مدارس علمیه موقوفات مشترکی داشتند. پس از حصارکشی ناصری تکایا از رونق افتادند و حسینیه‌ها جای آنها را گرفتند. از ۱۰ باب حسینیه‌ی این دوره (حسینی‌بلاغی، ۱۳۸۷: ۱۲۰) تعدادی چون حسینیه‌های سادات اخوی، سیدآقا جواهری و استرآبادی وقف بوده‌اند.

کارکرد مساجد و حسینیه‌های دوره‌ی قاجاریه صرفاً عبادت و اجرای مراسم مذهبی بود. اما بعضی از مساجد و حسینیه‌های دوره‌ی پهلوی چون مسجد ثامن‌الائمه خیریه فرهنگی و حسینیه ارشاد علاوه بر عبادت و اجرای مراسم مذهبی، به فعالیت‌های فرهنگی و کمک به طبقه‌ی کم‌درآمد نیز می‌پرداختند (شاه‌حسینی، ۱۳۷۷: ۱۱۷). این مساجد و حسینیه‌ها

زیرمجموعه‌ی بنیادها و مؤسسات و مراکز خیریه بوده و هزینه‌های آنها از این طریق تأمین می‌شد. تفاوت دیگر مراکز مذهبی وقفی دوره‌ی پهلوی با دوره‌ی قبل آن در وقف خانقاه است. هرچند در دوره‌ی قاجاریه خانقاه‌هایی در تهران قدیم وجود داشت، هیچ یک از آنها وقف نبودند. اما در دوره‌ی پهلوی تعدادی از خانقاه‌ها معمولاً منتسب به سلسله‌ی درویش نعمت‌اللهی وقف شده و موقوفاتی برای اداره‌ی آنها قرار داده شد. لازم است توضیح داده شود، از آنجاکه آمارهای به‌دست آمده از مراکز مذهبی در دو دوره‌ی مورد بررسی بسیار کمتر از آمارهای واقعی است از ذکر آنها در جدول ۳ خودداری شده است.

واحدهای مسکونی

تفاوت واحدهای مسکونی وقفی دوره‌ی پهلوی با دوره‌ی قاجاریه در حذف خانه‌سرا و محل نگهداری اسب و جایگزینی آنها با آپارتمان است. در هر دو دوره‌ی سهم وقف شش دانگ خانه یا سهمی از آن پیش از سایر موارد است و بعد از آن وقف عمارت قرار دارد (جدول ۳ و ۴). وقف عمارت و خانه‌ی اعیانی حاکی از وجود واقف پردرآمد است که عموماً از شاهزادگان، وزرا، مستوفیان، تجار و کارکنان دولت یا خانواده‌های وابسته به آنها بوده‌اند (رضایی، ۱۳۸۶: ۴۱۰). باوجود آنکه واحدهای مسکونی، دومین منبع درآمدی تأمین‌کننده‌ی هزینه‌های اهداف واقفان است، در بعضی از موارد برای احداث مسجد و حسینیه و مدرسه و بیمارستان یا توسعه‌ی اماکن مذهبی وقف شده‌اند. مانند عیسی وزیر سابق دارالخلافه که واحد مسکونی خود را برای مکتبخانه و ملک تاج‌السلطنه و زیور یحیائیان واحدهای مسکونی خود را برای بیمارستان وقف کردند.

اماکن آموزشی

اماکن آموزشی وقفی دوره‌ی قاجاریه تا قبل از ایجاد مدارس علوم جدید شامل عمدتاً مدارس علمیه و به میزان بسیار کمتر مکتبخانه می‌شود. از سال ۱۳۱۶ ق به بعد وقف مدارس علوم جدید نیز جزو مراکز آموزشی وقفی قرار گرفت و مانند مدارس علمیه موقوفاتی نیز برای اداره‌ی آنها توسط واقفان یا افراد دیگر قرار داده شد (جدول ۳). روند وقف اماکن آموزشی علوم جدید در دوره‌ی پهلوی دوم شدت بیشتری گرفت (جدول ۴) و علاوه بر وقف اماکن آموزشی در حد وزارت آموزش و پرورش، پرورشگاه و دانشکده (مانند دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران)، مکان‌هایی برای توسعه و فرهنگ ایرانی اجرای فعالیت‌های پژوهشی و آموزشی و رفاه اساتید و دانشجویان نیز وقف شده‌اند (رضایی، ۱۳۸۶: ۲۹۷، حاجی-بابایی، ۱۳۸۵: ۷۲۰-۱۸۰).

اماکن بهداشتی- درمانی

به دنبال آشنایی ایرانیان با مؤسسات تمدنی، پس از مدارس علوم جدید، مراکز درمانی چون بیمارستان و درمانگاه نیز جزو موقوفات قرار گرفت. در دوره قاجاریه یک بیمارستان (جدول ۳) و در دوره پهلوی دوم ۳۳ درمانگاه و بیمارستان (جدول ۴) با گرایش بیشتر به بیمارستان وقف شده‌اند (احمدی، ۱۳۸۷: ۲۹۸-۴۰). بعضی از این مراکز درمانی موقوفات بسیاری دارند که علاوه بر واقف، افراد دیگری نیز به این مهم همت گمارده‌اند. مانند بیمارستان فیروزآبادی. بعضی از آنها مانند بیمارستان بازرگانان به وسیله چندین نفر وقف شده‌اند. در این مهم علاوه بر مسلمانان، اقلیت‌های مذهبی به ویژه زرتشتیان نیز مشارکت داشته‌اند. مانند یری آگاهی آرش (رضایی، ۱۳۸۶: ۴۵۱).

اماکن تجاری

در هر دو دوره وقف مغازه پیش از سایر مکان‌های تجاری بوده است (جدول ۳ و ۴). در دوره قاجاریه بازار تهران به تدریج توسعه یافت و هر محله‌ای دارای بازارچه‌ای بود. از این رو وقف تیمچه، بازارچه، کاروانسرا، سرا، دالان و غیره بیش از دوره پهلوی است. در دوره پهلوی با تغییر شکل شهر و توسعه آن و از بین رفتن محله‌ها و رواج استفاده از اتومبیل، از تعداد وقف مراکز تجاری سنتی شهر به جز مغازه‌ها کاسته و جای آن را وقف پاساژ، سینما و گاراژ گرفت (جدول ۴).

تأسیسات زیربنایی

در دوره قاجاریه وقف تأسیسات زیربنایی عمدتاً در حد منابع تأمین کننده و نگهدارنده‌ی آب بود و در دوره پهلوی وقف تأسیسات زیربنایی متنوع‌تر شد. یعنی با از بین رفتن منابع سنتی آب و استفاده از آب لوله‌کشی و برق و تلفن، این تأسیسات به ویژه از دوره پهلوی دوم به بعد جایگزین تأسیسات قبلی شد (جدول ۳ و ۴).

املاک

در دوره قاجاریه در تهران قدیم باغ و باغچه و اراضی صیفی‌کاری بخش مهمی از اراضی شهر را تشکیل می‌داد. از این رو مردم به وقف این اماکن برای تأمین هزینه‌های اهداف وقفی خود اقدام می‌کردند. اما نسبت بیشتر وقف این اماکن در دوره پهلوی مربوط به الحاق روستاهای اطراف تهران به ویژه روستاهای شمال آن است (جدول ۳ و ۴). لازم است توضیح

داده شود که در هر دو دوره‌ی به‌ویژه دوره‌ی پهلوی عرصه‌ی تجاری و مسکونی یا زمین برای احداث اماکن مورد نظر واقف بنا بر توسعه‌ی فیزیکی شهر و نیاز به مراکز خدماتی، وقف شده‌اند.

اموال

در هر دو دوره‌ی اموال وقف شده‌اند. اما در دوره‌ی قاجاریه بیشتر بوده است (جدول ۳ و ۴) و عمدتاً شامل کتاب و لوازم برگزاری مراسم مذهبی، پول نقد و ثلث دارایی و از این قبیل می‌شده است. در دوره‌ی پهلوی نیز اموالی شامل لوازم خانه و ثلث دارایی یا سود حساب پس‌انداز در بانک وقف شده‌اند. شاید مهم‌ترین اموال وقفی این دوره وقف سهام خاندان پهلوی باشد.

پراکندگی موقوفات

تا اواسط حکومت ناصرالدین‌شاه توسعه‌ی تهران داخل همان حصار شاه طهماسب اول حول محور جنوب دروازه شاه عبدالعظیم، محور غرب دروازه قزوین و شمال دروازه شمیران استوار بود. طیّ دوره‌ی قاجاریه فضاهای بینابینی چون راسته بازار، ارگ و محله‌های شهر با توجه به هسته‌های اولیه چون مسجدشاه، بقعه امام‌زاده زید و دروازه‌های اصلی تقویت و تکمیل شدند. همچنین ستون فقرات اصلی شهر یعنی بازار با اضافه شدن سراها به‌صورت زنجیره‌ای از هسته‌های تجاری تقویت شد (مدنی‌پور، ۱۳۸۱: ۵۸).

پس از توسعه‌ی دوره‌ی ناصری تا پایان دوره‌ی قاجاریه نیز مهم‌ترین محور ارتباطی تهران قدیم محورهای منتهی به دروازه‌های شاه عبدالعظیم و قزوین مهم‌ترین مرکز تجاری شهر بازار و محله‌های سنگلج، بازار، عودلاجان، چال‌میدان و ارگ، همچنان پرجمعیت‌ترین و مهم‌ترین محله‌های شهر محسوب می‌شدند. جایگاه اقتصادی-اجتماعی این قطب‌های ارتباطی، تجاری و مسکونی در چگونگی مکان‌گزینی مراکز وقفی نیز تأثیرگذار بوده است. چنانکه در محله‌ی بازار ۵۸۵ باب از انواع مکان‌ها وقف شده‌اند (جدول ۳).

اهمیت بازار تنها بنا بر کارکرد اقتصادی آن نبوده بلکه کارکرد ارتباطی آن بین مسجد جامع و ارگ و نیز مکان‌گزینی اماکن مذهبی متعددی چون مساجد و مدارس علمیه و تکایا همچنین اماکن مذهبی غیرمسلمانان (مصطفوی، ۱۳۶۱: ۱۵۳) در محله‌ی بازار به آن اعتبار بیشتری می‌داد. پس از بازار، به‌ترتیب محله‌های سنگلج ۳۹۸ باب، عودلاجان ۳۷۲ باب، چال میدان ۳۴۵ باب و ارگ ۸۷ باب انواع موقوفات را داشته‌اند (جدول ۳). بنابراین هر چند در

تمامی محله‌های تهران قدیم موقوفات تجاری نسبت به بقیه‌ی موقوفات بیشتر بوده‌اند، این گرایش در بازار که قطب اقتصادی شهر محسوب می‌شده، بیشتر بوده است (شکل ۱). اما این شکل از توزیع موقوفات در شهر تهران در دوره‌ی پهلوی با تخریب برج و باروی ناصری و الحاق محله‌های جدید که عمدتاً از آبادی‌های کوچک بود و بازسازی محله‌های قدیمی و کاهش کارکرد اقتصادی بازار با ایجاد اشتغال صنعتی و خدماتی در محورهای ارتباطی پیرامون و در سطح شهر تهران و نیز ایجاد مغازه‌های ویتروینی در حاشیه‌ی خیابان‌ها تغییر کرد. به عبارت دیگر این تغییر در شکل کالبدی و اقتصادی تهران سبب شد که برخلاف دوره‌ی قاجاریه که بخش بسیاری از موقوفات در منطقه‌ی بازار و اطراف آن قرار داشتند، در سطح شهر پراکنده شوند. یعنی وجود ۸۴/۵ درصد موقوفات در سطح شهر و ۱۵/۵ درصد موقوفات در منطقه‌ی بازار و اطراف، آن که نشان‌دهنده‌ی کم‌رنگ شدن کارکرد بازار در اقتصاد شهر تهران و همچنین کاهش کارکرد ارتباطی مذهبی و سیاسی آن در طول این دوره است.

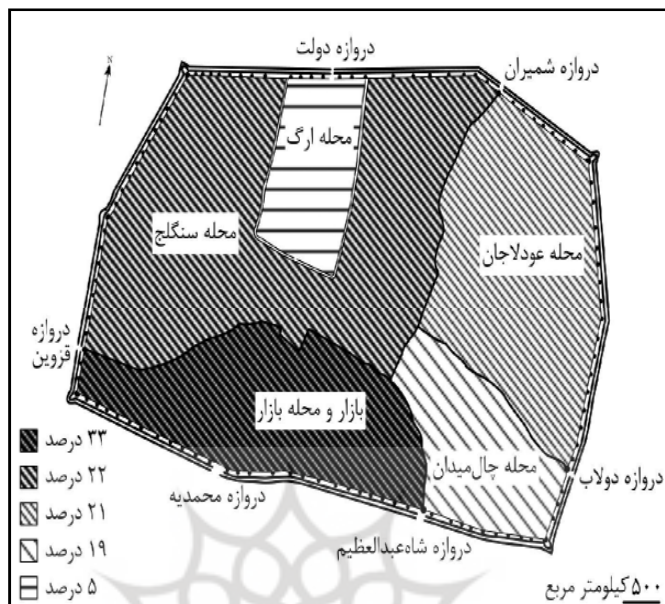
این وضعیت در کل دوره‌ی پهلوی به یکسان حاکم نبوده است. چنانچه در دوره‌ی پهلوی اول همانند دوره‌ی قاجاریه بیشترین وقف انواع مراکز تجاری در بازار (باب ۷۸) صورت گرفته و بقیه مناطق شهر با ۵۴ باب در مرتبه‌ی بعدی قرار دارند. به نظر می‌رسد توسعه‌ی فیزیکی شهر تهران و اهمیت یافتن کارکرد صنعتی و خدماتی و شکل‌گیری مغازه‌های ویتروینی در بدنه‌ی خیابان‌ها در این دوره هنوز نتوانسته بود چندان جایگاه و اعتبار بازار را در اقتصاد شهر تهران تضعیف کند. هر چند با توجه به میزان وقف مکان‌های تجاری در بازار تهران به نظر می‌رسد، در دوره‌ی پهلوی اول هنوز کارکرد تجاری آن حفظ شده بود، ضمن اینکه از وقف سایر مکان‌ها در این منطقه کاسته شد (جدول ۴). اما در دوره‌ی پهلوی دوم از سهم وقف مراکز تجاری در بازار کاسته شده است، یعنی اگرچه در این دوره در بازار تنوع مکان‌های وقفی نسبت به دوره‌ی پهلوی اول بیشتر است. در مقابل بر وقف انواع مکان‌ها در سطح شهر افزوده شده است (جدول ۴ و شکل ۲).

نتیجه

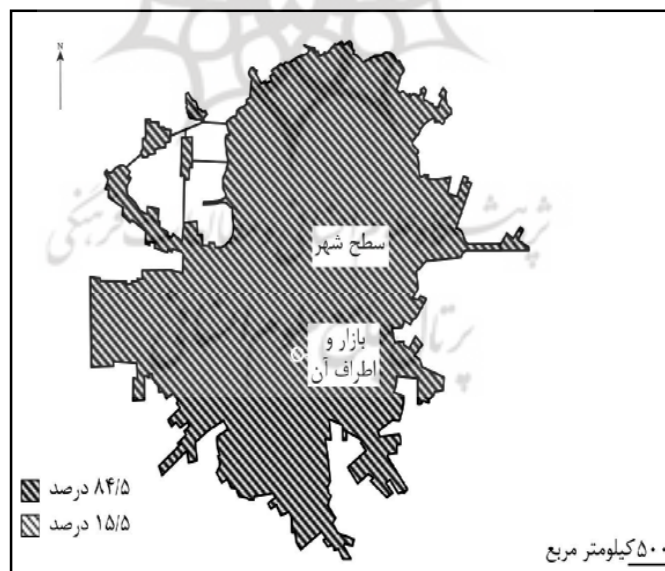
در هر دو دوره‌ی مورد بررسی مهم‌ترین عوامل ساخت و تولید فضاهای شهری وقفی تهران علاوه بر عامل طبیعی عوامل جهان‌بینی و ارزش‌های دینی و مذهبی و اقتصادی مؤثر بوده‌اند. در مراحل اولیه توسعه‌ی تهران عوامل طبیعی و مذهبی نقش غالبی داشته‌اند. از این‌رو در تهران به‌عنوان شهری اسلامی بسیاری از فضاهای عمومی و عام‌المنفعه وقفی مانند

امام‌زاده‌ها، مساجد، حسینیه‌ها، مدارس علمیه، سقاخانه‌ها، قنوت و غیره شکل گرفتند و به تبعیت از آنها شهر توسعه یافت. اما به مرور زمان به دنبال ارتباطات بیشتر با تمدن غربی که افزایش سطح دانش و حجم بیشتر مبادلات اقتصادی را به همراه داشت هم عامل اقتصادی به عوامل شکل‌دهنده‌ی فضاهای شهری وقفی افزوده شد، مانند احداث فضاهای تجاری چون سراها، تیمچه‌ها، کاروانسراها و غیره هم تا حدودی نوع موقوفات تغییر کرد. وقف مدارس سبک جدید و قرار دادن موقوفاتی برای اداره‌ی آنها، قرار دادن موقوفاتی برای دانشگاه تهران، احداث بیمارستان و درمانگاه و غیره از آن جمله است. همچنین در دوره‌ی پهلوی با از بین رفتن مرکزیت بازار به عنوان مهم‌ترین قطب اقتصادی تهران و پاشیده شدن نظام محله‌ای نوع فضاهای تجاری وقفی از راسته بازار، بازارچه، کاروان‌سرا، تیمچه و سرا و دالان به پاساژ، سینما و گاراژ تغییر کرد. اما با وجود تغییر و تحول در نوع مکان‌های تجاری وقفی، در هر دو دوره‌ی قاجاریه و پهلوی وقف مغازه بیشترین نوع موقوفه‌ی تجاری محسوب می‌شده است. در دوره‌ی قاجاریه تعداد موقوفات در هر محله‌ای تابعی از شرایط و جایگاه اقتصادی- اجتماعی آن محله بود. از این‌رو به تبعیت کارکرد اقتصادی- مذهبی و ارتباطی بازار بیشترین انواع موقوفات در بازار و محله بازار قرار داشت و سپس به ترتیب محله‌های سنگلج، عودلاجان و چال میدان موقوفه داشتند.

کمترین میزان موقوفه متعلق به محله ارک است که محله‌ای دولتی بود و عمده‌ی مراکز دولتی در آن قرار داشت. علاوه بر اینکه موقوفات در هر محله‌ای جایگاه اقتصادی اجتماعی محله‌های تهران قدیم را نشان می‌دهد، بر توسعه فضایی و اقتصادی محله‌ها نیز تأثیرگذار بوده است. برای مثال با احداث و وقف‌سرای امیر بازار توسعه و محله‌ی فقیرنشین محمدیه رونق یافت. این شکل از مکان‌یابی و تأثیرگذاری موقوفات در فضای شهر تهران با روی کار آمدن حکومت پهلوی به ویژه پهلوی دوم که همراه با تحولات سیاسی، اقتصادی و فیزیکی تهران بود تا حدود بسیاری تغییر کرد. یعنی هم از تعداد موقوفات بازار و محله بازار کاسته شد و به موقوفات سایر نقاط شهر افزوده شد و هم برخلاف دوره‌ی قبل که یکی از عوامل توسعه‌ی فضایی تهران عامل وقف بود، دیگر وقف و موقوفات نقشی در این خصوص نداشته و جای خود را به سیاست‌های اقتصادی- اجتماعی دولت و بخش خصوص دادند. باوجود تفاوت در نوع و چگونگی قراگیری موقوفات در سطح شهر تهران در دو دوره‌ی مورد بررسی، هدف وقف در هر دو دوره‌ی گرایش بیشتری به نشر و توسعه‌ی دین دارد. در مجموع توان گفت وقف و موقوفات تهران در دوره‌ی قاجار بر توسعه‌ی اجتماعی، اقتصادی و فیزیکی و در دوره‌ی پهلوی عمدتاً بر توسعه‌ی اجتماعی تأکید داشته و در این مسیر روند تکاملی پیموده است.



شکل ۱: توزیع فضایی موقوفات شهر تهران در دوره‌ی قاجاریه
 مأخذ: مؤلف



شکل ۲: توزیع فضایی موقوفات شهر تهران در دوره‌ی پهلوی
 مأخذ: مؤلف

منابع

- ۱- احمدی، نزهت (۱۳۸۷). وقف و گسترش امور درمانی با تکیه بر اسناد وقفی تهران، قم. کومه.
- ۲- اذکایی، پرویز (۱۳۸۱). وقف در ایران باستان، میراث جاویدان. سال دهم. شماره ۱.
- ۳- ازغندی، علیرضا (۱۳۸۲). تاریخ تحولات سیاسی و اجتماعی ایران ۱۳۵۷-۱۳۲۰. تهران. سمت.
- ۴- اشرف، احمد (۱۳۵۸). موانع رشد سرمایه‌داری در دوره قاجاریه، تهران. زمینه.
- ۵- بامداد، مهدی (۱۳۷۱). شرح حال رجال ایران، جلد اول. زواره. تهران.
- ۶- بلوک باشی، علی (۱۳۸۷). تکیه. دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، جلد ۱۶، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی. تهران. دایرةالمعارف بزرگ اسلامی.
- ۷- بمانیان، محمدرضا و همکاران (۱۳۸۷). رهیافتی بر نقش موقوفات در ساماندهی فضاهاى شهری (با نگاه ویژه بر موقوفات شهر اصفهان) مدیریت شهری. سال ششم. شماره ۲۱.
- ۸- بیات، آصف (۱۳۷۹). سیاست‌های خیابانی جنبش تهیدستان در ایران، ترجمه اسدا... نبوی. تهران. شیرازه.
- ۹- پاینده، ابوالقاسم (۱۳۷۶). (فراهم‌آورنده و مترجم)، نهج‌الفصاحه. مجموعه فصار حضرت رسول اکرم (ص). تهران. جاویدان.
- ۱۰- پوراحمد، احمد (۱۳۷۰-۱۳۷۱). بازار کرمان؛ رساله دکتری. تهران. دانشگاه تربیت مدرس.
- ۱۱- پولاک، یاکوب‌ادوارد (۱۳۶۸). سفرنامه پولاک، ایران و ایرانیان، ترجمه کیکاووس جهانداری. تهران. شرکت سهامی انتشارات خوارزمی.
- ۱۲- پیران، پرویز (۱۳۷۴). آلونک‌نشینی در ایران، اطلاعات سیاسی اقتصادی. شماره‌های ۸۷، ۸۸، ۹۱، ۹۲، ۹۵، ۹۶.
- ۱۳- تکمیل‌همایون، ناصر (۱۳۷۹). تاریخ اجتماعی و فرهنگی تهران، جلد سوم. از ویرانی دارالخلافه ناصری تا پایان دوره‌ی پهلوی. تهران. دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- ۱۴- تکمیل‌همایون، ناصر (۱۳۸۱). تاریخ اجتماعی و فرهنگی تهران، جلد دوم. دارالخلافه ناصری. چاپ دوم. تهران. دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- ۱۵- تکمیل‌همایون، ناصر (۱۳۸۵). تاریخ اجتماعی و فرهنگی تهران، جلد یکم. از آغاز تا دارالخلافه ناصری. چاپ سوم. تهران. دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

- ۱۶- حاجی بابایی، احمد (۱۳۸۵). سیر تحول و توسعه‌ی املاک و مستقالات دانشگاه تهران. رساله دکتری. دانشگاه تهران. دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
- ۱۷- حسامیان، فرخ و دیگران (۱۳۵۸). شهرنشینی و وابستگی، چاپ سوم. تهران. آگاه.
- ۱۸- حسینی بلاغی، سیدعبدالحجه (۱۳۸۷). گزیده تاریخ تهران، تهران. مازیار.
- ۱۹- خانم، اعظم و دیگران (۱۳۷۸). طرح مجموعه شهری تهران و شهرهای اطراف آن، بخش سوم. مطالعات اجتماعی. نشریه ۳-۳ نظام اسکان در منطقه شهری تهران. تهران. مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران.
- ۲۰- دولت‌آبادی، یحیی (۱۳۶۲). حیات یحیی، جلد اول. چاپ چهارم. تهران. فردوسی.
- ۲۱- رضایی، امید (۱۳۸۶). (به کوشش)، فهرست اسناد موقوفات ایران، دفتر چهارم (تهران و توابع). گرمه به سفارش بنیاد پژوهش و توسعه فرهنگ وقف. تهران.
- ۲۲- رضایی، مختار (۱۳۸۶). موقوفات میرزا احمد مشیر. وقف میراث جاویدان. شماره ۵۹.
- ۲۳- رهنمایی، محمدتقی (۱۳۷۵). گسترش تهران و دگرگونی روستاهای آن، تهران پایتخت دوپست ساله (مجموعه مقالات). تهران. سازمان مشاور فنی و مهندسی شهرتهران و انجمن تهران‌شناسی فرانسه.
- ۲۴- زاهدزاهدانی، محمدجواد و دیگران (۱۳۶۶). ریشه‌یابی و پیش‌بینی روند مهاجرت روستایی در ایران، اطلاعات سیاسی - اقتصادی. سال دوم. شماره دوازدهم.
- ۲۵- زرگری‌نژاد، غلامحسین (تصحیح و تحشیه) (۱۳۸۰). رسایل سیاسی عصر قاجار، تهران. کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
- ۲۶- سرائی، محمدحسین (۱۳۷۱-۱۳۷۰). بازاریزد، پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تهران. دانشگاه شهید بهشتی.
- ۲۷- سلطان‌زاده، حسین (۱۳۷۶). مقدمه‌ای بر تاریخ شهر شهرنشینی در ایران، امیرکبیر. تهران.
- ۲۸- سوداگر، محمدرضا (۱۳۶۹). رشد روابط سرمایه‌داری در ایران در دوره ۱۳۵۷-۱۳۴۳، شعله اندیشه. تهران.
- ۲۹- شاه‌حسینی، پروانه (۱۳۷۵). وقف‌شناسی جغرافیایی شهر تهران در دوره‌های قاجار و پهلوی، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی. سال یازدهم. شماره ۳. مشهد.

- ۳۰- شاه‌حسینی، پروانه (۱۳۷۷). موقوفات شهر تهران، مجله پژوهش‌های جغرافیایی. سال سی‌ام. شماره ۳۴. تهران.
- ۳۱- شاه‌حسینی، پروانه (۱۳۹۰). وقف‌شناسی تهران از شهری اسلامی تا شهری مدرن، مشهد، پاپلی.
- ۳۲- شجیعی، زهرا (۱۳۷۲). نخبگان سیاسی ایران از انقلاب مشروطیت تا انقلاب اسلامی، جلد اول. تهران. سخن.
- ۳۳- عاملی، احمد و احمد خورسندی‌آقایی (۱۳۸۴). قنات در ایران، مطالعه مورد قنات‌های شهر تهران. تهران. شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری.
- ۳۴- علی‌قلی میرزا اعتمادالسلطنه (۱۳۷۰). اکسیرالتواریخ تاریخ قاجاریه از آغاز تا ۱۲۵۹ هـ. ق، به اهتمام جمشید کیان‌فر. تهران. بی‌نا.
- ۳۵- عیسوی، چارلز (۱۳۸۴). تاریخ اقتصادی ایران: عصر قاجار ۱۳۳۳-۱۲۱۵ هـ ق، ترجمه یعقوب آژند. تهران. امیرکبیر.
- ۳۶- کاتوزیان، محمدعلی همایون (۱۳۸۰). دولت و جامعه در ایران، انقراض قاجار و استقرار پهلوی، ترجمه حسن افشار. تهران. نشر مرکز.
- ۳۷- کنت دوگوبینو (۱۳۸۵). سه سال در ایران؛ ترجمه ذبیح‌الله منصوری، تهران. نگارستان کتاب.
- ۳۸- مؤسسه پژوهش و مطالعات فرهنگی (۱۳۷۱). فرمان‌ها و رقم‌های دوره قاجار (جلد اول ۱۲۱۱-۶۰ هـ ق). تهران. مؤلف.
- ۳۹- مؤسسه مطالعات و تحقیقات علوم اجتماعی دانشگاه تهران (بی‌تا). مطالعه مقدماتی درباره زورآباد کرج. تهران. مؤلف.
- ۴۰- مؤمنی، مصطفی (۱۳۶۵). جایگاه وقف و وقفنامه در ساختارشناسی فرهنگی، اجتماعی و کالبدی شهرها و روستاهای ایران، مورد: جغرافیای تاریخی شهرستان تفت در استان یزد، مجموعه مقالات سمینار جغرافی. شماره ۳. مشهد.
- ۴۱- مؤمنی، مصطفی (۱۳۶۵). ردیابی فرهنگ وحی در ساختارشناسی فرهنگی، اقتصادی و کالبدی دوره‌ی آغازین شهر دولت‌آباد ملایر، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی. سال اول. شماره ۲. مشهد.
- ۴۲- مؤمنی، مصطفی (۱۳۷۲). جغرافیای جهان‌بینی وقفنامه ربع رشیدی، خواجه رشیدالدین فصل‌الله بانی مجتمع‌های وقفی؛ قسمت اول و دوم، وقف میراث جاویدان. سال اول. شماره ۳ و ۴ تهران.

- ۴۳- مؤمنی، مصطفی و هوشنگ بهرام‌بیگی (۱۳۶۱). شهرستان تفت: بررسی مشخصات طبیعی اجتماعی و اقتصادی شهر و مناطق روستایی، تهران. دفتر فنی جهاددانشگاهی دانشگاه ملی ایران.
- ۴۴- مجلسی، باقر محمدتقی (۱۳۶۲). بحارالانوار، تهران. اسلامیه.
- ۴۵- محمدی، محمد (۱۳۷۹). تکمیل نقش متقابل وقف و شهرسازی، برنامه‌ریزی فضایی کالبدی راهبردی جدید در توسعه بهره‌وری بهینه موقوفات، وقف میراث‌جاویدان. سال هشتم. شماره ۳۰.
- ۴۶- مدنی‌پور، علی (۱۳۸۱). تهران ظهور یک کلانشهر، ترجمه حمیدزرا‌زوند. تهران. شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهر تهران.
- ۴۷- مستوفی، عبدا... (۱۳۷۷). شرح‌زندگانی من، تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه. چاپ چهارم. تهران. زوار.
- ۴۸- مسعود میرزا ظل‌السلطان (۱۳۶۸). خاطرات ظل‌السلطان، به اهتمام و تصحیح حسین خدیو‌جم. ۳ جلد. تهران. اساطیر.
- ۴۹- معتمدی، محسن (۱۳۸۱). جغرافیای تاریخی تهران، تهران. مرکز نشر دانشگاهی.
- ۵۰- مکی، حسین (۱۳۶۲). تاریخ بیست ساله ایران، جلد چهارم. آغاز سلطنت دیکتاتوری پهلوی. چاپ دوم. تهران. نشر ناشر.